



The Logic of Interaction in Classical Persian Political-Moral Narratives: Social Etiquette and Distance Selection

Chonuor Zahedi¹  Parsa Yaghoobi Janbeh Saraei² 

1. PhD Student of Persian Language and Literature, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. E-mail: zahedichonor@gmail.com

2. Professor of Persian Language and Literature, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. E-mail: p.yaghoobi@uok.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article
(P 25-46)

Article history:

Received:
11 July 2021

Received in revised form:
9 October 2022

Accepted:
10 October 2022

Published online:
21 December 2022

ABSTRACT

Persian political-ethical books are a set of policies that prescribe or implicitly shared aspects of social etiquette directly with the audience and the listener. In other words, these works are a source for a variety of customs and a model for how to regulate distance and social space among people. In this article, aspects of distancing based on the contexts and topics of social etiquette such as speech and listening, nutrition and food, covering and disguise, sitting and standing, friendship and enmity are interpreted in six important Persian moral-political works. The result shows that all areas and topics under investigation are based on creating a distance and observing pre-established order or existing natural rules that are represented in each of the areas with specific indications/signs. In the matter of speech, the words of the upper class, such as kings and sages, regardless of the subject matter, are regarded as advice and wisdom, and listening to it is considered a legitimizing blessing. In terms of eating etiquette, they bring examples of the elaborate dining tables of the upper class, who want to keep their distance from others as a dramatic consumption. The etiquette of covering and disguise also serves as class distinction and social distancing in a marked way. In the manners of sitting and standing, distancing is based on body management. The upper class acts with a free and relaxed body, while the lower class maintains their distance with the upper class by sitting on two knees, talking slowly, etc. For the etiquette of friendship and enmity, which is a part of social etiquette, keeping a distance from the enemy is necessary in any case, and not observing it is the cause of loss and deterioration. According to the epistemological model of the classical world and the attached socio-aristocratic aristocracy, all the mentioned fields and subjects serve in a marked way to differentiate and create a hierarchical distance. In these works, whether prescriptive propositions or narratives, they invite the audience-listener to class discipline and assume it as a form of tradition or an aspect of rationality. Such a call would automatically tie the discipline to sources of legitimacy.

Keywords:

Persian Political-Moral Texts, Persian Etiquette, Distance Selection, Social Etiquette.

Cite this article: Zahedi, chonuor and parsa yaghoobi janbeh saraei (2022), "The Logic of Interaction in Classical Persian Political-Moral Narratives: Social Etiquette and Distance Selection", *Journal of Literary Criticism and Rhetoric*, Vol: 11, Issue: 3, Ser.N: 27, 25-46, [10.22059/jlc.2021.327009.1702](https://doi.org/10.22059/jlc.2021.327009.1702).





پژوهش نامه نقد ادبی و بلاغت

شاپای الکترونیکی: ۴۱۰۵-۲۶۶۷

<https://jalit.ut.ac.ir>

منطق تعامل در روایت‌های سیاسی-اخلاقی کلاسیک فارسی:

آداب معاشرت و فاصله‌گزینی

جنور زاهدی^۱ | پارسا یعقوبی جنبه‌سرای^۲

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه: zahedichonor@gmail.com

۲. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه: p.yaghoobi@uok.ac.ir

| اطلاعات مقاله | چکیده |
|--------------------------------|---|
| نوع مقاله: پژوهشی (ص ۲۵-۴۶) | کتاب‌های سیاسی-اخلاقی فارسی دسته‌ای از سیاستنامه‌ها هستند که وجوهی از آداب اجتماعی را به شکل مستقیم برای مخاطب/شنونده تجویز کرده یا به شکلی ضمنی با وی در میان می‌گذارند؛ به عبارتی دیگر، این آثار منبعی برای انواع آداب و الگویی برای شیوه تنظیم فاصله و فضای اجتماعی در میان مردم است. در این نوشتار وجوه فاصله‌گزینی مذکور با تکیه بر حوزه‌ها و موضوعات آداب معاشرت همچون سخن‌گفتن و سخن‌شنیدن، تغذیه و خوراک، پوشش و خلعت، نشست و برخاست و دوستی و دشمنی در شش اثر کلیدی سیاسی-اخلاقی فارسی دلالت‌یابی و تفسیر شده است. نتیجه نشان می‌دهد همه‌ی حوزه‌ها و موضوعات مورد بررسی، مبتنی بر ایجاد فاصله و رعایت نظم از پیش تثبیت شده یا قاعده‌های طبیعی نمایانده شده موجود است که در هر کدام از حوزه‌ها با نشانگانی خاص بازنمایی شده است. در موضوع سخن‌گفتن، سخنان طبقه فرادست همچون ملوک و حکیمان را فارغ از موضوع سخن به مثابه‌ی پند و حکمت می‌داند و شنیدن آن را موهبتی مشروعیت آور تلقی می‌کنند. در آداب تغذیه از سفره‌های پر تکلف طبقه فرادست مثال می‌آورد که به مثابه‌ی مصرف‌نمایشی می‌خواهند فاصله خود را با بقیه حفظ کنند. آداب پوشش و خلعت نیز به شکلی نشاندار در خدمت تمایز طبقاتی و فاصله‌گزینی اجتماعی است. در آداب نشست و برخاست فاصله‌گزینی مبتنی بر مدیریت بدن است طبقه بالا با بدنی آزاد و رها عمل می‌کنند در حالی که سطوح پایین تر با دو زانو نشستن، آرام آرام حرف زدن و غیره فاصله‌خود را با طبقه بالادست رعایت می‌کنند. در آداب دوستی و دشمنی هم که بخشی از آداب معاشرت است، رعایت فاصله با دشمن در هر حال ضروری است و عدم رعایت آن سبب خسران و زوال است. بنا به الگوی معرفتی جهان کلاسیک و اشرافیت اعتقادی-اجتماعی منضم به آن، همه حوزه‌ها و موضوعات مذکور به شکلی نشاندار در خدمت تمایز و ایجاد فاصله سلسله‌مراتبی است. در این آثار چه گزاره‌های تجویزی چه روایت‌های داستانی مخاطب/شنونده را به انضباط طبقاتی دعوت کرده، آن را به مثابه‌ی شکلی از سنت یا وجهی از عقلانیت فرض می‌کنند. چنین فراخوانی‌ای خود به خود، انضباط مذکور را به منابع مشروعیت گره می‌زند. |
| تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۲۰ | |
| تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۷/۱۷ | |
| تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۱۸ | |
| تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۹/۳۰ | |
| کلیدواژه‌ها: | متون سیاسی-اخلاقی فارسی، آداب‌نامه‌های فارسی، فاصله‌گزینی، آداب معاشرت. |

زاهدی، جنور و پارسا یعقوبی جنبه‌سرای (۱۴۰۱)، «منطق تعامل در روایت‌های سیاسی-اخلاقی کلاسیک فارسی: آداب معاشرت و فاصله‌گزینی»، پژوهش‌نامه نقد ادبی و بلاغت، دوره ۱۱، ش ۳، پیاپی ۲۷، ۲۵-۴۶. [10.22059/jlcr.2021.327009.1702](https://doi.org/10.22059/jlcr.2021.327009.1702)



© نویسنده‌گان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

بخش عمده‌ای از ادبیات دوره کلاسیک فارسی را آثار سیاست‌نامه‌ای تشکیل می‌دهند که بخشی از مطالعات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ما مرهون این آثار است. نشانه‌گشایی از دانش انضمامی نهفته در این آثار نیازمند تحلیل پشتوانه‌های فکری نهفته در لایه‌های ضمنی آنهاست که در جزئی‌ترین شکل‌های زندگی نمایان شده است. این نوشتارها دربردارنده انواع آداب در موضوع‌های مختلف مانند سخن‌گفتن و شنیدن، تغذیه و خوراک، پوشش، و غیره بوده؛ کاربرد آنها توزیع و تنظیم فاصله اجتماعی یا به عبارتی دیگر الگوسازی برای فاصله‌گزینی در سطوح مختلف زندگی است. از آنجا که منطق فاصله‌گزینی هر دوره تاریخی یا هر فرهنگ متأثر از پارادایم معرفتی حاکم بر تولید و رواج دانایی در آن دوره یا آن فرهنگ است. پارادایم‌ها تعیین می‌کنند که مواجهه با مرزها با چه میزان از فاصله و چه شکل از جهت‌مندی تنظیم شود. این آثار نیز خواه به شکل مستقیم و در قالب گزارش‌های تجویزی خواه به شکل غیرمستقیم و حکایت‌پردازانه و جوهی از آداب را با مخاطب/خواننده در میان گذاشته یا برای وی تجویز می‌کنند. لحن دستوری یا به ظاهر مشفقانه حاکم بر ساختار این آثار، برآمده از اخلاقی سیاست‌زده یا سیاستی اخلاقی است که سعی دارد ذهن و رفتار مخاطب-خواننده همسو با مناسبات قدرت سامان دهد. در این نوشتار منطق تعامل و فاصله‌گزینی اجتماعی در جامعه کلاسیک ایرانی با تکیه بر آداب معاشرت پیشنهادی مندرج در آثار آداب‌نامه‌ای-سیاست‌نامه‌ای- و کنش‌هایی همچون سخن‌گفتن و شنیدن، تغذیه و خوراک، پوشش و خلعت، نشست و برخاست یا آمد و شد، دوستی و دشمنی دلالت‌یابی و تفسیر شده است. جامعه آماری شامل آثاری همچون قابوس‌نامه عنصرالمعالی، سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک طوسی، نصیحة‌الملوک امام محمد غزالی، کلیله و دمنه نصرالله منشی، مرزبان‌نامه سعدالدین ورواینی و گلستان سعدی و مبنای دلالت‌یابی، نشانگان فضایی نهفته در موضوعات ذیل آداب معاشرت است.

پیشینه و ضرورت تحقیق

مطابق مطالعه‌ای که از پیشینه‌های تحقیق صورت گرفته می‌توان همه آنها را در یک طبقه‌بندی کلی قرار داد. اغلب محققان دو رویکرد متفاوت را در پیش گرفته‌اند. عده‌ای از آنان برخی از مؤلفه‌های مضمون‌گرایانه را در این آثار برجسته کرده‌اند و عده‌ای دیگر از پژوهشگران با رویکردی انتقادی به بررسی نظریه‌ای بر روی متن، پرداخته‌اند و بی‌آنکه از دلالت‌های فضایی نام ببرند، برای تحلیل متن به کشف و تحلیل برخی از دلالت‌های فضایی در یک سطح یا یک داستان پرداخته است. این رساله با صورت‌گرایی مبتنی بر دلالت‌های فضایی که کاملاً با اندیشه سیاسی منطبق است، میان محتوا و فرم در روند تحلیل ارتباط برقرار می‌کند و این اندیشه‌ها را در قالب آداب‌ها در جزئی‌ترین مظاهر زندگی نشان می‌دهد: فاطمه پیرا در مقاله «جنسیت و قدرت در سیاست‌نامه خواجه

نظام‌الملک» (۱۳۸۷) مسئله جنسیت را همچون بسیاری از پدیده‌های انسانی و اجتماعی در قالب نظام فرهنگی یک جامعه بررسی کرده است در این پژوهش تاریخی کتاب سیاست نامه به عنوان عرضه کننده نظام فرهنگی جامعه ایران در دوره ی خودش (اواخر قرن ۵) انتخاب شده و پدیده جنسیت و قدرت را در اندیشه خواجه نظام الملک تجزیه و تحلیل کرده است و به این نتیجه رسیده که اندیشه ی وی در مورد زنان بیشتر متأثر از سنن کهن ایرانشهری است تا روح و قوانین اسلامی. امید علی احمدی در مقاله «نهاد خانواده و عرصه خصوصی در گلستان سعدی» (۱۳۸۷) بر اساس تحقیقی جامعه شناختی نهاد خانواده، موقعیت زنان، دختران، کنیزان، مادران و سایر اعضای خانواده را از نظر نقش و قواعد و هنجارهای خانواده در قرن هفتم توصیف می‌کند. مریم‌السادات اسعدی در مقاله «خانواده در قابوس‌نامه» (۱۳۸۹) ضمن تعریف خانواده، جایگاه و حقوق هر یک از اعضای خانواده، اقتصاد خانواده، پدیده ازدواج در قابوس‌نامه را به تفصیل مورد بررسی قرار داده است. محمدمهدی اسمعیلی و همکاران در مقاله «عناصر فرهنگی مؤثر بر ارتقاء سرمایه فرهنگی در گلستان سعدی» (۱۳۹۰) با تأکید بر رخداد مهم زمانه سعدی و حمل مغولان به ایران، با بهره‌گیری از نظریه سرمایه فرهنگی پیربورديو، شش مؤلفه اصلی در عناصر فرهنگی مشتمل بر باورها، ارزش‌ها، هنجارها، نقش‌ها، نمادها و صنایع فرهنگی به ترتیب بر پایه حکایت‌های گلستان شناسایی کرده‌اند و نشان داده‌اند که در میان عناصر سازنده فرهنگ، نقش باورها در ارتقاء سرمایه فرهنگی بیش از دیگر عناصر اهمیت دارد. سیروس احمدی و محمدحسین نیکدار اصل در پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر قشربندی اجتماعی در گلستان سعدی» (۱۳۹۱) این اثر را توصیفی دقیق از جامعه قرن هفتم می‌داند که نویسنده آن به قشربندی و نابرابری اجتماعی توجه کرده است، این پژوهش چشم‌انداز روشنی نسبت به نابرابری اجتماعی در نظام قشربندی در جامعه قرن هفتم ارائه می‌دهد و بر اساس نتایج تحقیق سعدی نگاه جامعی به قشربندی اجتماعی داشته و از نود قشر اجتماعی مختلف نام می‌برد و نگاه او به قشربندی مبتنی بر رویکر کارکردگرایانه است و همواره تلاش می‌کند این رویکرد را بر اخلاقیات استوار سازد. ذبیح‌نیا عمران و سنگکی در مقاله «تعلیم الگوی حکومت در کلیله و دمنه و گلستان سعدی» (۱۳۹۱) به تبیین شیوه‌های حکومتی عادلانه و با تکیه بر عدالت در دو اثر مذکور پرداخته‌اند و نشان می‌دهند. در این دو اثر مسأله آیین کشورداری، حکومت، شیوه راه‌های آن قابل بررسی است و هر دو نویسنده درصدد چاره برای رفع مشکل‌های مردم و دفع ستم و فساد و تباهی هستند و حکومت ظالمانه را ناروا می‌دانند. وحید سبزان‌پور در مقاله «بررسی دیدگاه‌های تربیتی ایرانیان باستان در قابوس‌نامه» (۱۳۹۲) نشان می‌دهد که در این کتاب پندهای تربیتی بسیاری از قول حکیمان یا با لفظ «گفته‌اند» آورده است که بسیاری از آنان متعلق به حکیمان ایرانی یا دست‌کم در ایران باستان رایج بوده است. یعقوبی جنبه‌سرایی و زاهدی در مقاله «دلالت‌های فضایی داستان شیر و گاو، تبیین نزاع قدرت و شیوه های تحریف آن» (۱۳۹۲)، بر مبنای دلالت‌های فضایی به تبیین و تحلیل نزاع قدرت مندرج در

داستان شیر و گاو، و شیوه‌های تحریف آن پرداخته است. زاهدی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان «تبیین اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی کلیله و دمنه بر اساس دلالت‌های فضایی (نشانگرهای تنظیم فاصله)» (۱۳۹۳) نشان می‌دهد این کتاب با اینکه روکشی اخلاقی دارد اما حاوی اندیشه سیاسی ایرانشهری است که رعایت سلسله‌مراتب به مثابه حفظ عدالت، اصلی‌ترین مفهوم و مشخصه آن است و یکی از راه‌های درک این اندیشه در متون ادبی، توجه به دلالت‌های فضایی متن است که حاوی فاصله و جهت است و در دو سطح فراداستانی و زیرداستانی به تبیین روابط سیاسی و اجتماعی طرفین گفت‌وگو می‌پردازد. یعقوبی جنبه‌سرایی در مقاله «موضع مؤلف پنهان حکایت‌های کلیله و دمنه: برساخت توزیع فضا» (۱۳۹۶) نشان می‌دهد که نشانگان توزیع فضا در حکایت‌های این کتاب حاکی از تولید و رواج گفتمانی مبتنی بر حفظ نظم از پیش تثبیت‌شده و مرزبندی‌های برآمده از آن در قالب نظام تشبیه و تشویق است پاداش حفظ نظم و رعایت مرز، بقا و رستگاری و عدول از آن سبب مرگ و خسران فرض شده است.

صفرزایی و همکاران در پژوهشی با عنوان «تأثیر اندرزهای شاهان ساسانی بر آرای تربیتی عنصر المعالی در قابوس‌نامه» (۱۳۹۷) معتقد است عنصرالمعالی به عنوان یکی از بازماندگان امرای آل‌زیار و یکی از نویسندگان مشهور حکمت و اخلاق از روند تأثیرپذیری از اندرزهای شاهان ساسانی مستثنی نبوده این اندرزها در دو بخش امور مربوط به حکومت و کشورداری و امور مربوط به اخلاقیات و تهذیب نفس قابل تقسیم است در قابوس‌نامه هم چنین تقسیم‌بندی وجود دارد. آشکارترین تأثیرپذیری این است که حکمت‌های متعددی را به طور مستقیم از اندرزهای ساسانی اقتباس کرده است این اندرزها در ابعاد مختلف اقتباسی، ادبی، موضوعی و غیره بر آرای تربیتی عنصرالمعالی در قابوس‌نامه تأثیرگذار بوده است.

تبیین منطق تعامل در آداب‌نامه‌ها بر مبنای توزیع فضا یکی از محوری‌ترین فنون تحلیل نظام دانایی مندرج در آن ژانر است که فنون زبانی-روایی متن‌های مذکور را همسو با پارادایم و ایدئولوژی نهفته آنها را آشکار می‌کند.

۲. مبانی نظری تحقیق

واژه «آداب» جمع ادب و در لغت به معنای دانش و هنر و رفتار پسندیده مطابق با هنجارهای جامعه می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۷: آداب). ادب در اصطلاح تعامل با دیگران به لطف، محبت و رعایت احترام متناسب با موقعیت و جایگاه خود است. آداب، حفظ اندازه‌ها و عدم تجاوز از مرزهاست؛ در آموزه‌های دینی نیز اندازه‌نگه داشتن، خود بهترین نوع آداب است هر کسی حد و مرز خود را بشناسد و از آن فراتر نرود، دارای ادب است (طبرسی، ۱۳۸۰: ۱۹۹). گاهی در تعریف آداب بُعد اخلاقی را در نظر گرفته و آن را مجموعه‌ای از کنش‌های اجتماعی می‌دانند که با اخلاق نظری در پیوند است (ترابی فارسانی و غندی، ۱۳۹۴: ۷۰). بنابراین آداب را عبارت از باورهایی می‌دانند که در

اموری همچون پابندی به هنجارهای همگانی، احترام گزاردن به جایگاه افراد و انضباط فرهنگی محقق می‌شود (فرهادی، ۱۳۸۹: ۱۰). در واقع، آداب مجموعه‌ای از دستوراتی است که ناظر بر رفتار فردی و اجتماعیست و به عنوان ساختاری نظام‌مند از رسوم و عادات نشأت می‌گیرد. انواع آداب‌ها شامل آداب فردی و اجتماعیست. آداب فردی شامل آن دسته از قاعده و ضوابطی است که هر فردی با رعایت آن از مزایای ارزشی آن برخوردار می‌شود مانند آداب خوردن، نشستن، برخاستن، لباس پوشیدن و... آداب اجتماعی نیز مجموعه اصولی است که افراد در تعامل با دیگران و ارتباط با اعضای جامعه به کار می‌گیرند و با رعایت آن زمینه را برای تعامل سازنده فراهم می‌کنند. بنابراین نوع ارتباط و معاشرتی ضابطه‌مند است که منش انسانی و فرهنگ اخلاقی هر فرد و جامعه را نشان می‌دهد (محدثی، ۱۳۸۶: ۱۶). از این روی آداب‌نامه‌ها برآمده از پارادایم‌های معرفتی و فرهنگی هستند که با شناخت آنها از هنجارهای حاکم بر هر عصری به‌عنوان واقعیتی عینی و ملموس از زندگی انسان و جامعه مطلع شد.

یکی از کارکردهای برجسته آداب‌ها تنظیم فاصله و ایجاد و توزیع فضا است. فضایی که از ذهن و بدن شروع می‌شود و تا مشترک‌ترین بُعد آن تداوم می‌یابد (مدنی‌پور، ۱۳۹۱: ۳۸). مفهوم فضا از مفاهیم پرکاربرد حوزه‌های مختلف علمی است. در معتبرترین تعریفی که از فضا در میان صاحب‌نظران مطرح است تعریفی است که هر دو عنصر انسان و فضای اطرافش را مد نظر قرار می‌گیرد. مطابق با این تعریف ادراک فضا از تعامل میان انسان و محیط اطرافش ناشی می‌شود که منجر به الگوهای متفاوت فضایی در بافت‌های معرفتی مختلف می‌گردد (سوهانگیر و نصیرسلامی، ۱۳۹۳: ۶۶). ادراک نشانه‌های توزیع فضا منجر به سامان‌دهی تفسیرهایی در ساختارهای مختلف جامعه می‌شود زلّف چهار طبقه‌بندی از فضا تعریف می‌کند: در مرحله اول، فضاهای پراگماتیک (عملی) که به وسیله وضعیت یا حالت بدن ما ایجاد می‌شوند (چپ یا راست، بالا و پایین)؛ دوم فضاهای دریافتی یا ادراکی که از طریق مقاصد و منظورهای ما سازماندهی می‌شوند؛ سوم فضاهای وجودی از طریق ساختارهای فرهنگی که از ادراکات ما شکل می‌گیرد این فضاها فضاهایی پر از معانی و مفاهیم اجتماعی‌اند و سرانجام فضاهای شناختی یعنی اینکه چگونه ما به طور انتزاعی ارتباطات فضایی را مدل‌سازی می‌کنیم (کرنگ، ۱۳۹۰: ۱۵۶). تبیین عملکردهای فضایی و توزیع در گرو عملکرد گروه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بوده؛ شناخت فضا، تحلیل نظام اجتماعی، نظام اقتصادی و شرایط فرهنگی ضروریست. اموری که به مثابه پشتوانه تعامل و روابط اجتماعی مفروض و در قالب آداب‌ها نمایان می‌شوند.

همسو با تلقی مذکور بررسی رفتارشناسی حیوانات نشان می‌دهد که چگونه نیازهای فضایی و مکانی تحت تأثیر و نفوذ محیط قرار می‌گیرد. در حیوانات جهت، میزان و دامنه گسترش تغییرات رفتاری منجر به تغییرات در دسترسی آنها به فضا می‌گردد و مالکیت یا رفتار حیوانات در دفاع و تملیک از فضای خود، یک مفهوم اساسی در مطالعه رفتارشناسی حیوانات است (هال، ۱۳۸۴: ۹).

یکی از وظایف و عملکردهای مالکیت، فضا‌سازی صحیح و متناسب به منظور محافظت در مقابل بهره‌برداری بیش از اندازه در آن بخش از محیط است که حیوانات برای زیست خود انتخاب کرده‌اند. علاوه بر این عملکردهای اجتماعی و شخصی و همچنین موقعیت و پایگاه در سلسله‌مراتب اجتماعی نیز با مالکیت در ارتباط است. هایدگر بر این باور است که حیوانات جهت حفظ فضا‌سازی متناسب، علاوه بر قلمرو، مکانیزم‌های فاصله‌مندی خاص خود را دارند که آنها را در چند گروه دسته‌بندی می‌کند: فاصله‌گریز و فاصله‌بهرانی هنگامی که افراد گونه‌های مختلف به هم می‌رسند مورد استفاده قرار می‌گیرند در حالتی که فاصله شخصی و اجتماعی می‌تواند در طول کنش‌های متقابل بین اعضاء گونه‌های یکسان مشاهده گردد. سازمان‌دهی اجتماعی عاملی در تعیین فاصله شخصی است. حیوانات غالب نسبت به آنها که موقعیت پایین‌تری را در سلسله‌مراتب اجتماعی دارند، فضای بزرگتری را خواهانند و حیوانات تحت کنترل دیگران مسکن خود را تسلیم حیوانات غالب می‌کنند. فاصله اجتماعی نیز صرفاً فاصله‌ای است که در آن حیوان تماس خود را با گروه خود از دست می‌دهد (همان: ۱۰-۱۷).

از دیگر علومی که فضا در آن مورد تحلیل قرار گرفته است، دانش جغرافیاست. در جغرافیا، مفهوم فضا، که از دهه ۱۹۵۰ وارد ادبیات جغرافیایی شد، به دو صورت به کار گرفته می‌شد: الف) فضای مطلق، ب) فضای نسبی. فضای مطلق دارای ویژگی‌های عینی، واقعی، مشخص و طبیعی می‌باشد. فضای نسبی، به طور مداوم در اثر نیازهای اجتماعی-اقتصادی و شرایط تکنولوژیک در وسعت و فرم تغییر می‌کند در دیدگاه علم فضایی، مردم در فضاهای نسبی زندگی می‌کنند. فضا به‌منزله یک پدیده ثانوی، از واکنش عمدی انسان یا ساخت اجتماعی، موجودیت می‌یابد (فیستر، ۱۳۷۸: ۲۸۶ و ۲۸۷).

علاوه بر جغرافیا، فضا عامل اساسی در معماری است و بر مبنای فضا‌ست که معماری ویژگی‌هایش را کسب می‌کند. در قرن نوزدهم منظور از فضا، فضای انتزاعی بدون توجه به زمینه و جامعه بود (ضرغامی و بهروز، ۱۳۹۴: ۸۱) از این زمان به بعد، ارزش‌های هنر معماری را مجموعه‌ای از ارزش‌های اقتصادی، اجتماعی، عملکردی، فضایی، هنری و تزئینی مشخص می‌کند با کنارگذاشتن این عوامل فضا به تنهایی، با اینکه خود اساس و مایه معماری است، تعریف شدنی و توجیه پذیر نخواهد بود (زوی، ۱۳۸۷: ۳۱).

از منظر دانش انسان‌شناسی نیز درک انسان از فضا و فاصله ایستا نیست به این دلیل که به عمل مربوط می‌شود یعنی آنچه که می‌توان در یک فضای معین انجام داد. احساس افراد نسبت به همدیگر در زمان معین، عامل تعیین‌کننده‌ای در نحوه استفاده از فاصله است که آنها را در تقسیم‌بندی‌هایی به صورت فواصل خصوصی، شخصی، اجتماعی و عمومی و هر کدام به صورت دور یا نزدیک نامگذاری کرده‌اند (هال، ۱۳۸۴: ۱۳۶). انتخاب فاصله‌ای معین بستگی به کنش متقابل، ارتباط افراد و واکنش‌گر، نحوه احساس آنها و آنچه انجام می‌دهند، دارد (همان: ۱۵۱). مانهایم

معتقد است در حوزه اجتماعی، فاصله‌گزینی به بهترین وجه به صورت دورشدن از دیگری فهمیده می‌شود و فاصله اجتماعی، فاصله عمودی میان مرتبه‌های نابرابر در یک سلسله‌مراتب است که قدرت عامل به وجودآورنده آن است. این موضوع را در الگوهای رفتاری در جوامع قشربندی و سلسله‌مراتبی می‌توان یافت الگوهایی مثل اختلاف در پوشش بین کاست‌ها یا طبقات مختلف، کاربرد خطاب‌های گوناگون، آداب ادای احترام، اطوار نشان‌دهنده اطاعت و فرمانبرداری و غیره. فاصله‌گزینی عمودی فقط به رابطه متقابل دو گروه بر نمی‌گردد بلکه شامل رابطه یک فرد یا گروه و همه اشیاء دور و بر آنها، که معنا و اهمیت فرهنگی دارند، نیز می‌شود (مانهیم، ۱۳۸۵: ۶۵). بنیادی‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین نوع فاصله‌گزینی، فاصله‌گزینی اجتماعی است و منش بنیادی فرهنگ، اشرف سالار باشد یا مردم سالار به الگوی فاصله‌های عمودی آن بستگی دارد. فرهنگ اشرافی مبتنی بر فاصله عمودی میان حکومت‌گران و حکومت‌شوندگان است در چنین جوامعی قشر حاکم با برخورد از موضع بالا میان خود و اقشار پایین فاصله‌گذاری می‌کند و هر گونه تماس میان بالایی‌ها و پایینی‌ها تابع آدابی کاملاً رسمی است که ناشی از نظم سلسله‌مراتبی اشرافیست. معیارهای متصلب رفتار که برای هر موقعیتی آداب رسمی معینی را تجویز می‌کند، ابزار قدرتمندی برای حفظ فاصله است (همان: ۶۷-۶۸).

۳. حوزه‌ها، موضوعات آداب معاشرت و وجوه فاصله‌گزینی در آنها

آداب‌نامه‌ها تحت عنوان هنجارهای فردی و اجتماعی تابع ضوابط و انضباطی‌ست و در هر دوره بیانگر بافت‌های معرفتی خاصی هستند که می‌توان آن‌ها در نظام‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی تحلیل کرد (ترابی فارسانی و غندی، ۱۳۹۴: ۸۴)، که شامل مطالعات فرهنگی، فرهنگ مادی و مطالعات سیاسی و اجتماعی است. به باور امیلی پُست: «آداب اجتماعی که در اصولی پایدار ریشه دارند کمک می‌کنند بتوانیم با قدرت شخصیت و اصالت، با آنچه آینده برایمان به همراه دارد مواجه شویم» (۱۳۹۲: ۱۶). بررسی نحوه تعامل و توزیع فضا و فاصله‌گزینی در آداب‌های فردی و اجتماعی در متون سیاسی اخلاقی کلاسیک فارسی، نوع نگرش، ایدئولوژیک حاکم بر این حوزه‌ها که همانا تابعیت و تثبیت نظام سلسله‌مراتبی و صیانت از آنست را مشخص می‌کند. ضوابط حاکم بر آداب‌ها تجلی همان نظم انضباطی سلسله‌مراتبی و فاصله‌مند است که ضمن ایجاد فاصله، طبقه و جایگاه افراد در گستره اجتماع را نیز تفکیک و مشخص می‌کند. این ژانر در کتاب‌های اخلاقی و سیاسی شکل گرفته است. در این کتاب‌ها گاه مستقیم در قالب دستورالعمل آشکار می‌توان به امر فاصله‌گزینی رسید و در مواردی هم از فحوای داستان‌ها می‌توان به آنها رسید از سویی دیگر، با تأمل و دلالت‌یابی کنش‌ها و وضعیت‌هایی که فاصله‌گزینی در آن‌ها به چشم می‌خورد مانند: آداب معاشرت و زیر مجموعه‌های آن، به عنوان بازنمایی عینی سبک زندگی می‌توان ارکان اصلی سازنده فکر و ذهن کنش‌گر را که او را به انجام آن کنش واداشته است، کشف کرد. حوزه‌ها و موضوعات

اصلی آداب معاشرت در متون سیاسی-اخلاقی کلاسیک را می‌توان ذیل «آداب سخن‌گفتن و شنیدن»، «آداب تغذیه و خوراک»، «آداب پوشش و خلعت»، «آداب نشست و برخاست یا آمد و شد» و «آداب دوستی و دشمنی» صورت‌بندی کرد.

۳-۱. آداب سخن‌گفتن و شنیدن

سخن‌گفتن و شنیدن رفتاری تعاملی است که هرکدام از طرفین گفتگو وابسته به شرایط و موقعیت، فرهنگ و جایگاهشان خود را ملزم به رعایت آداب و اصولی می‌کنند. در واقع تولید متن یا گفتمان آنان متأثر از شرایط و بافت فرهنگی و اجتماعی است (دسپ، ۱۳۸۸: ۶۲). تحلیل گفتمان نشان می‌دهد که چگونه از طریق متون نوشتاری و گفتاری روابط اجتماعی، هویت و قدرت ایجاد می‌شود (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۴). افراد هر طبقه اجتماعی در ارتباطات و گفتمان خود به گفتار، کلمات و سخنان طرف دیگر، هم از نظر موضوع و هم از نظر شکل و شیوه سخن جهت می‌دهند و این نمودی از سیاست انضباطی و نمودی از همان قدرتی است که مشروعیتش در اعمال زور و شمشیر نیست (ویر، به نقل فوزی، ۱۳۸۳: ۱۷۵). به عبارتی دیگر این همان تسخیر ذهن و برساخت‌های ذهنی است که درصدد است میان اتباع خویش ایمان به مشروعیت‌اش را بر انگیزد (ویر، ۱۳۷۴: ۳۸). در آداب‌نامه‌های فارسی و جوهی مختلف برای سخن‌گفتن و شنیدن برای شنونده/مخاطب تجویز شده یا به وی پیشنهاد می‌شود که همگی بنا باور ساختارگرایانه و نظام سلسله‌مراتبی مبتنی بر مرزبندی دقیق و فاصله‌مند است. دلالت‌های فاصله‌مندی در متون مذکور را می‌توان بنا بر اعتبار گوینده، جایگاه شنونده، موضوع سخن و شگردهای سخن‌گفتن تبیین کرد.

در آداب‌نامه‌های فارسی معمولاً سخن‌ملوک و حکیمان بنا به اعتبار گویندگان نیز موضوع سخن-پند و حکمت-مشروعیت یافته با رابطه‌ای فاصله‌مند از بالا به پایان به مخاطب/شنونده جاری و تجویز می‌شود و حتی برای آن پاداشی درخور همچون «روشن شدن دیده خرد» هم مفروض است: «پس سخن‌ها بشنو و قبول کن خاصه سخن‌ها و پندهای ملوک و حکیمان که گفته‌اند که پند حکما و ملوک شنیدن دیده خرد را روشن کند که توتیای چشم خرد حکمت است؛ پس سخن این قوم را بگوش دل باید شنودن و اعتماد کردن» (عنصرالمعالی، ۱۳۷۱: ۴۹).

در اینجا اعتبار دو دسته از راویان (ملوک و حکیمان) و اقتدار قدسی-سیاسی آنان به سخن مشروعیتی می‌دهد که هر فردی آن را به «گوش دل شنود دیده خرد را روشن می‌کند»، گویی از ارزشی عقلانی پیروی کرده است. البته در این تلقی عقل، نمودی از پایبندی به نظم و ساختارهای از پیش تثبیت شده است و کسی که عاقل است، تابعیت خود را به قراردادهای فرهنگی و اجتماعی بر جامعه ثابت کرده است. افزون بر این ماهیت سخن آنان، نصیحت و پند، پیشاپیش آنان را در موضع برتر قرار داده است. مخاطب/شنونده کاری جز تمکین و برگزیدن موضع پایین‌دستی ندارد. در پایان متن واژه «این قوم» با برجستگی خاص فاصله فرستنده را با گیرنده نشان می‌دهد.

اگر گاهی اعتبار گوینده بر مبنایی سیاسی، دینی یا علمی است، گاهی به اعتبار غنای مالی سخن‌گوست. در داستان بلند جدال سعدی با مدعی در قالب نزاع گفتمانی زمینه‌های تمایز سلسله‌مراتبی طبقه غنی و فقیر را در گفت‌وگویی جدلی که ایدئولوژیک است، به نمایش می‌گذارد. نویسنده سعی دارد با در نظر گرفتن بیشترین فرصت‌های کلامی برای طبقه بالا این تمایز را به لحاظ ساختاری گفت‌وگو نشان دهد. در پژوهش که نمایشی در مورد این داستان داشته‌اند نشان می‌دهد ۶۰ سطر و ۱۹ بیت توانگر و ۲۲ سطر و ۱۰ بیت درویش فرصت زبانی داشته‌اند (نمایشی، ۱۳۹۶: ۹۰).

سعدی در این حکایت تمایزهای دو طبقه غنی و فقیر را در قالب گفت‌وگو بیان می‌کند؛ هریک از آنها سعی دارند خود را محق بدانند و در نهایت تصمیم می‌گیرند نزد قاضی و حکمی بروند. در پایان قاضی اظهارات هر دو را محترم می‌شمارد رأیی بینابین صادر می‌کند. در حالی که دقت در تکنیک‌های کلامی طرفین نشان می‌دهد که نویسنده در قالب شخصیت توانگر ظاهر شده و ذهنیت او بیشتر به نادیده‌انگاری درویش گراییده؛ که این امر حاکی از وجود نظامی فاصله‌مند و سلسله‌مراتبی مبتنی بر دارایی‌هاست. آداب‌نامه‌ها در مواردی که درباره قاعده کلی سخن گفتن فارغ از اعتبار گوینده یا موضوع سخن، صحبت می‌کنند، نکته‌ای ضمنی همسو با تلقی سلسله‌مراتبی در سخن آنان نهفته است: «و در سخن گفتن و سخن گزاردن آهستگی عادت کن و اگر از گران‌سنگی و آهستگی نکوهیده گردی، دوست‌تر دار از آن که از سبک‌ساری و شتاب‌زدگی ستوده گردی» (عنصرالمعالی، ۱۳۷۱: ۴۶). یا «سخن را دو روی است یکی نیکو و یکی زشت سخن که به مردم نمایی بر روی نیکوترین نمای تا مقبول بود و مردمان درجه تو بشناسند که بزرگان و خردمندان را به سخن دانند نه سخن را به مردم که مردم نمانان است زیر سخن خویش» (همان: ۴۴).

مخاطب توصیه‌های مذکور طبیعتاً اصحاب اقتدار نیست بلکه کسانی هستند که از منظر جایگاه در طبقات متوسط یا پایین قرار دارند. توصیه مؤلف-راوی مبنی بر تعبیر «آهستگی عادت کن» یا سخن را «بر نیکوترین نمای» با ظاهر اخلاقی و دیگرخواهی، حاوی نکته دیگری هم هست و آن اینکه مبدا حق دیگری فرادست به ناخودآگاه رعایت نشود و سخن‌گو از منطق سلسله‌مراتبی عدول کند.

۳-۲. آداب تغذیه و خوراک

آداب مهمانی و غذاخوردن یکی از مهم‌ترین سطح فرهنگ یک جامعه محسوب شده؛ به عنوان مناسبی اجتماعی از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است (پُست وهمکاران، ۱۳۹۲: ۶۴ و ۷۲). در واقع خوردن و نوشیدن و آداب مربوط به آن مصداق فرهنگی و هویتی هر تمدن است (ویکیلی و نودهی، ۱۳۹۰: ۱۲۰). برای درک هویت هر جامعه‌ای در سطوح مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، تاریخی و اجتماعی لازم است به سبک زندگی و مصداق آن مانند نحوه لباس پوشیدن، آداب

غذا خوردن و تغذیه، طرز سخن گفتن و نشستن توجه نمود. در واقع فضای اجتماعی همانند مکانی است که هر یک از عاملان چشم اندازهایی دارند که به جایگاه یا موقعیت‌شان در این مکان بستگی دارد (بوردیو، ۱۳۹۰: ۲۳۸). فاصله‌گزینی مبتنی بر خوراک را می‌توان بر اساس موقعیت و جایگاه مهمان یا میزبان، نوع غذای مصرفی و شگرد و چگونگی صرف غذا تبیین کرد. در بحث‌های مبتنی بر آداب معاشرت در آداب‌نامه‌های سیاسی-اخلاقی کلاسیک، مهمان چه کسی بودن و جایگاه میزبان، خود قاعده و آدابی خاص برای سفره مشخص می‌کرد. در ساختار سلسله‌مراتبی، افراد طبقه برتر با نمایش گذاشتن الگوهای مصرفی و سبک زندگی خود هویت و فرهنگ متفاوت و متمایز خود را در ذهن دیگران خلق می‌کنند (باترسون، ۱۳۹۸: ۶۷).

در توصیه‌های آداب‌نامه‌ای برای نمایش یا تجویز فاصله‌گرایی مبتنی بر آداب تغذیه برای اصحاب قدرت معمولاً سفره‌ایی پرتکلف را به تصویر درآمده است. به این صورت که شاه در مرکز قدرت و در موقعیت میزبان با «تکلف در خوان نیکو نهادن»، «خوردنی‌های الون، پاکیزه و هرچه تمام» برای مهمان «خاص» نه فقط نیازهای خود را برآورده می‌کند، بلکه روایت خاصی را هم که برای هویت شخصی فاصله‌گرای خود در نظر گرفته است، در برابر دیگران مجسم می‌کند: پادشاهان همیشه اندر خوان نیکو نهادن تکلف کرده‌اند تا بامداد کسانی که به خدمت آیند آنجا چیزی خورند و اگر خاص را در خوان او رغبتی نبود به وقت خویش برگ خوردن باکی نباشد اما از نهادن خوان بامداد چاره نبود سلطان طغرل بامداد خوان نهادی و خوردنی‌های الوان پاکیزه تکلفی کردی و هرچه تمام‌تر فرمودی؛ چنان‌که اگر پگاه برنشستی و به تماشا و شکار رفتی خوردنی راست کردندی و بر صحرا نهادندی چندان بودی که همه ی امیران و ترکان و خاص و عام از آن عجب ماندندی و خانان ترکستان را همه ترتیب ملک اینست که خوردنی بر خدمتکاران در مطبخ فراخ دارند تا برکات آن به دولت می‌رسد (نظام‌الملک، ۱۳۸۸: ۱۵۷).

از همین دست تکلف فرعون مثالی دیگر از ایجاد فاصله با دیگران است: «خوان فرعون چهار هزار گوسفند بوده است و چهار صد گاو و دویست اشتر و در خورد این اباها و قلاها و حلواها و هرگونه چیز و همه اهل مصر و لشکریان بر خوان او طعام خوردندی» (همان: ۱۵۸).

آداب‌نامه‌ها در مقابل تکلفی که به صورت ضمنی برای طبقه بالادست ضروری فرض می‌کنند، حفظ چرخه بالادست/پایین دست است. برای طبقه پایین دست خویشنداری را به مثابه نوعی تمکین توصیه می‌کنند که در داستانی در گلستان به شکلی طنزآلود بیان شده است: «زاهدی مهمان پادشاهی بود چون به طعام بنشستند کمتر از آن خورد که ارادت او بود و چون نماز برخاستند بیش از آن کرد که عادت او تا ظن صلاحیت در حق او زیادت کنند چون به مقام خویش آمد سفره خواست تا تناولی کند پسری صاحب فراست داشت گفت: به مجلس سلطان در طعام نخوردی؟ گفت: در نظر ایشان چیزی نخوردم که به کار آید. گفت: نماز را هم قضا کن که چیزی نکردی که به کار آید» (سعدی، ۱۳۴۸: ۱۵۳-۱۵۴).

در آداب‌نامه‌ها معمولاً طبق فرادست در موقعیت میزبان ظاهر شده‌اند تا با نمایش سبک زندگی و عملکردهای مصرفی خود ضمن تمتع هر چه تمام‌تر خود بر کالاهای مصرفی منزلت اجتماعی برتر خود را در باور دیگران نهادینه کنند. غیر از میزبان، آدابی برای مهمان طبقه برتر که اغلب طبقه خاص جامعه هستند، وضع می‌شود که رعایت آن الزامی و در خدمت حفظ شأن و جایگاه افراد در طبقه خویش است از جمله اینکه مهمانان شاه اگر طبقه عام باشند مطابق پایبندی به امر فاصله‌گزینی نباید در زمانی که شاه با خواص ملاقات دارد حضور داشته باشند و طبقه خواص نیز نباید چیزی را از خانه خود به خانه میزبان ببرند علاوه بر آن اگر مهمان‌ها با هم جور باشند هر مهمانی را به یک موقعیت تبدیل می‌کنند (پُست، ۱۳۹۲: ۲۶۷):

اندر هفته که نشاط انس افتد یک روز یا دو روز بار عام باید دادن ... و ایشان را آگاه کرده باشند که روز آمدن ایشان است و روزها که جای خواص باشد آن قوم دانند که جای ایشان نیست خود نیایند ... و این قوم که مجلس خواص را شایند باید که معدود باشند و شرط چنان بود که هر یک چون آید جز با یکی غلام نیاید و اینکه هرکسی را صراحی و ساقی می‌آرند روا نیست ... که همه روزگار خوردنی و نقل و شراب از سرای ملوک به خانه خویش بردندی نه از خانه‌های خویش به مجلس ملوک از بهر آنکه سلطان کدخدای جهان باشد و جهانیان همه عیال و بنده (نظام‌الملک، ۱۳۸۸: ۱۴۹).

البته ناگفته نماند فاصله‌گزینی طبقاتی مبتنی بر تغذیه و خوراک در آداب‌نامه‌ها گاه با توصیف عادت‌های روزمره خوردن و نوع غذای آنان نیز به تصویر کشیده شده است:

به حدیث طعام خوردن بدانکه عادت مردمان بازاری چنان رفته است که بیشتر طعام بشب خوردند و آن سخت زیان کارست دایم با تخمه باشند و مردمان سپاهی پیشه را عادت چنانست که و این عادت ستوران باشد که هرگه که علف یابند همی خوردند و مردمان خاص و محتشمان بشبان روزی اندر یکبار نان خوردند و این اندر طریق خویشتن داری نیکوست ... چنان صواب‌تر که مردم محتشم بامداد به خلوت مسکنه بکند و آن‌گاه بیرون آید و به کدخدایی خویش مشغول شود تا نماز پیشین بکند (عنصرالمعالی، ۱۳۷۱: ۶۵).

۳-۳. آداب پوشش و خلعت

بخش مهمی از تمایز در سلیقه و مصرف را پوشش و آداب پوشیدن تشکیل می‌دهد. روش مراقبت از جسم و هر چیزی که برای آرایش از آن استفاده می‌شود، بخش مهمی از تصویر فردی ما را شکل می‌دهد (پُست، ۱۳۹۲: ۵۳). پوشاک می‌تواند نشانه‌های اجتماعی مانند شکل رسمی یا غیر رسمی ارتباط، احوال شخصی فرد، عضویت در گروه‌ها و نیز میزان گرایش یا فاصله از عرف جامعه را نشان دهد (آرگایل، ۱۳۹۳: ۳۱۳-۳۲۸). به عبارتی دیگر لباس در بستر فرهنگی جامعه نقش مؤثری در اعلام منزلت ایفاء می‌کند و هر کسی قادر خواهد بود تا بعضی از اطلاعات اجتماعی را از روی لباس بخواند (کاریکان، ۱۳۹۶: ۳۰۸). لباس هوشیارانه‌تر از بسیاری از کالاها عمل می‌کند؛ به این دلیل که ارتباطی مسلم با بدن و خودمان دارد (ویلسون، ۱۳۹۴: ۱۱) و بخشی از جهان معرفتی ما را در

برمی‌گیرد. بخشی از توصیه‌ها یا توصیف‌های نوشتارهای آداب‌نامه‌ای مبتنی بر نشان‌داربودگی پوشش و نقش برجسته آن در تمایز اجتماعی است، امری که خودبه‌خود در خدمت فاصله‌گزینی با دیگری است. در مثالهای زیر از متون سیاسی و اخلاقی کلاسیک فارسی هریک از پوشش‌ها همچون «جامگی»، «قبا» «کلاه»، «خلعت» و «پلاس» حاوی دلالت‌های تمایز طبقاتی و ایجاد فاصله است:

معروفان را که جامگی گران دارند نباید گفت تا تجمل سلاح و آلت جنگ نیکو سازند و غلام خردند که جمال و نیکویی و شکوه ایشان اندر آن باشد نه اندر تجمل آلت و زینت خانه و هر که را از این معنی بیشتر باشد نزد پادشاه پسندیده‌تر و در میان همالان و لشکر باشکوه‌تر و آراسته‌تر بود (نظام‌الملک، ۱۳۸۸: ۱۵۳).

چون محمود از دعوات خواندن فارغ شد قبا در پوشید و کلاه بر سر نهاد و موزه در پای کرد و در آینه نگاه کرد (همان: ۵۶).

ملک را حسن تدبیر فقیه و تقریر جواب او موافق رأی آمد. خلعت و نعمت بخشید و پایه و منصب بلند گردانید (سعدی، ۱۳۴۸: ۴۳۶-۴۳۸).

پس بفرمود تا او را خلعت پوشانیدند و هفتصد گوسفند از رمه‌ها چنانکه از او بسته بودند از میش و بخته بدو بخشید و فرمود که تا زندگانی بهرام باشد از او صدقات نخواهند (همان: ۳۴).

لقمان حکیم گفت به راهی می‌رفتم، یکی را دیدم پلاسی در پوشیده گفتم چه کسی گفت آدمی. گفتم چه نامی گفت تا خود چه خواندم. گفتم چه کار کنی گفت بی‌آزاری گفتم چه خوری گفت آنچه دهد (غزالی، ۱۳۶۱: ۲۴۳).

طبقه خاص جامعه با لباس «جامگی»، طبقه اشرافی با «قبا» و «کلاه برسر نهادن»، طبقه طریقتی و مذهبی با «پلاس» بر تن کردن به عنوان بدن نمادین بخشی از هویت خود را از آن طریق در جامعه سیاسی-اجتماعی و مذهبی بازنمایی می‌کنند و از این راه ضمن نشان دادن عضویت خود در طبقات مختلف جامعه، فاصله خود را با طبقات دیگر برجسته می‌کنند.

۳-۴. آداب نشست و برخاست یا آمد و شد

هر طبقه سبک زندگی خاصی دارد طبقه فروتر در تعامل و معاشرت با طبقه برتر در ارتباط با همنشینی، جای و جهت نشستن بر حسب جایگاه افراد و دلالت‌های معنایی نهفته در آن آداب‌ها و هنجارهایی را رعایت می‌کنند که نشان‌دهنده تمایز و فاصله آنان با طبقه برتر است و موقعیت و هویت منزلتی طبقه برتر را نشان می‌دهند. در واقع، طبقه برتر وجوه تمایز خود را در سبک زندگی متفاوت خود بروز می‌دهند (بورديو، ۱۳۹۰: ۲۳۹). فاصله‌گزینی مبتنی بر آمد و شد، در آداب‌نامه‌های فارسی را می‌توان در دو بخش صورت‌بندی کرد. بخش اول تعامل شاه و بزرگان با دیگران و نحوه معاشرت و آدابی که دیگران در ارتباط با آنان رعایت می‌کنند و بخش دیگر نحوه تعامل دیگران با مردم عادی است. با توجه به فضای سلسله‌مراتبی حاکم بر ساختار جامعه وقتی تعاملی صورت

می‌گیرد با توجه به جایگاه و موقعیت طرفین تعامل نحوه برقراری ارتباط متغیر می‌شود. به دلیل گستره نظام فاصله‌مندی که در ساختارهای مختلف اجتماعی و سیاسی در لایه‌های مختلف دیده می‌شود، همچنین جایگاه شاه در راس این ساختار، شرایطی را ایجاد می‌کند که افراد در سطوح مختلف باید بدان پایبند باشند تا بتوانند تعاملی سازنده را به اجرا درآورند. بدن در اجتماع نقش فعالی دارد و سازوکار قدرت و کنترل اجتماعی است بر این اساس شاه و طبقه برتر به عنوان کنشگر و عاملی مفهوم‌ساز با نشان دادن حرکات بدن، ساختارها و گروه‌های مختلف را نسبت به برتری خود آگاه می‌سازند و امکان خلق تمایزات گوناگون را فراهم آوردند (فوکو به نقل از یزدخواستی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۳۳-۱۳۶). نحوه و جهت نشستن یکی از این مواردی است که می‌تواند هویت طرفین تعامل را نشان دهد. در ارتباط با طبقه برتر جهت و نحوه نشستن، نحوه قرار گرفتن در مقابل آنها، ایستادن یا نشستن، نشان از ساختاری سلسله‌مراتبی و فاصله‌مندی دارد. دو زانو نشستن نمودی از تسلیم و تابعیت و تعهدی بی‌چون و چرا نسبت به طرف مقابل است: «ابوعلی دقاق روزی بنزدیک امیر ابوعلی الیاس اندر آمد که سپاه سالار و والی خراسان بود این ابوعلی با همه جلالت شخص فاضل بودی ابوعلی دقاق پیش او بنشست به دو زانو...» (نظام‌الملک، ۱۳۸۸: ۵۵). یا: «ابوعلی الیاس که سپاه سالار نسابور بود به نزدیک ابوعلی دقاق آمد که عالم و زاهد روزگار بود و در پیش او به دو زانو بنشست و او را گفت مرا پندی ده...» (غزالی، ۱۳۶۱: ۹۷-۹۸).

این نوع خویشتن‌داری و عدم ابراز خود نشان از مقبولیت نظام سلسله‌مراتبی دارد که آنها را ملزم به رعایت آن کرده؛ به واسطه آن جایگاه و منزلت خود را حفظ کنند و همین موضوع یعنی رعایت آداب الگوی مثبتی است که موجب شده در رابطه‌ای نظام‌مند در تعامل با پادشاه قرار بگیرند. یا در نمونه‌ای دیگر:

هر دوازده هزار مرد حاضر آمدند و به سرای پادشاه شدند خوانی دیدند نهاده که هرگز چنان خوان ندیده بودند قباد بر تخت نشست و مزدک بر کرسی و نوشیروان میان بسته ایستاده یعنی که من میزبانم و مزدک از شادی در پوست نمی‌گنجید. پس نوشیروان هر یکی را بر قدر و اندازه او بر خوان می‌نشانند تا همگان نشستند و نان بخوردند جمله را از آن سرای در سرای دیگر بردند. مجلسی دیدند نهاده که هرگز ندیده بودند قباد و مزدک اول بر تخت نشستند و ایشان را بنشانند و مطربان سماع برکشیدند و ساقیان شراب در دادند چون شراب دوری چند بگشت غلامان و فراشان در آمدند. دویست مرد با تخته‌های دیبا و لفافه‌های قصب بر دست نهاده و بر کنار مجلس بایستادند پس نوشیروان گفت تا جامه‌ها در آن سرای برند که اینجا انبوه است تا بیستگان بیستگان و سیگان سیگان آنجا می‌آیند و خلعت می‌پوشند و از آن سرای بمیدان چوگان می‌شوند و می‌ایستند تا همه پوشیده شوند (نظام‌الملک، ۱۳۸۸: ۲۵۵).

در نمونه اخیر، بر اساس جایگاه و رتبه‌ای که دارند در تلاش برای ایجاد ساختار فاصله‌مند سلسله‌مراتبی هستند و تابعیت خود به نظام ساختارمند روابط را با نمایش نظم و ترتیب موجود همراه با مدیریت بدن در ساختار روابط سلسله‌مراتبی بالادست و پایین‌دست تحت تأثیر

ایدئولوژیک حاکم بر جامعه نشان می‌دهند. قباد بر تخت شاهی می‌نشیند مزدک بر کرسی و نوشروان میان بسته و آماده خدمت‌گزاری ایستاده است و هر کدام از افراد را مطابق قدر و منزلتش بر سفره می‌نشانند و غلامان و فراشان برای ارائه خدمت می‌ایستند که نشان از نظم فاصله‌مندی دارد که مقام و منزلت شاهان و بزرگان را بروز و ظهور دهد.

آیین باردادن یکی دیگر از آیین‌هایی است که در آن نظم سلسله‌مراتبی رعایت می‌شود. با اینکه در زمان باردادن واسطه‌ها حذف می‌شود و پرده‌ها برداشته می‌شود اما با نظم فاصله‌مندانه جریان می‌یابد؛ به گونه‌ای که ابتدا خواص و خویشاوندان، پس از آن معروفان و در مرتبه بعدی دیگر مردمان اجازه ورود دارند. بزرگان را خدمت می‌کنند و باز می‌گردند و فقط خواص و غلامان کاردار جهت خدمت‌کردن می‌مانند: «باردادن را ترتیبی باید بر آن نسق که اول خویشاوندان درآیند پس از آن معروفان حشم پس از آن دیگر اجناس مردمان ... و نشان بار آنکه پرده بردارند ... و چون بار بدهند صاحب طرفان و امرا و سادات و ائمه را که درآیند خدمت کنند و شرط خدمت آنست که چون بزرگان پادشاه را بدیدند ایشان جمله بازگردند و کسان ایشان جمله بازگردند تا آنجا خواص بمانند و غلامان کاردار چون سلاح‌دار و آبدار و چاشنی‌گیر و مانند این لابد ایشان را حاضر باید کردن (همان: ۱۴۷-۱۴۸).

به طور کلی بر حفظ فاصله در معاشرت با شاهان تأکید می‌شود:

من عمل سلطان را کارهم و بران وقوفی و در آن تجربتی ندارم، تو پادشاه محشمی و در خدمت تو وحوش و سباع بسیاریند ... کار سلطان بابت دو کس باشد ... دیگری غافل ضعیف که بر خواری کشیدن خو دارد و به هیچ تأویل منظور و محترم و مطاع و مکرم نگردد که در معرض حسد و عداوت افتد ... هم دوستان سپر معادات و مناقشت در روی کشند و هم دشمنان از جان او نشانه تیر بلا سازند ... هرگاه که مطابقت دوستان و دشمنان بهم پیوست و اجماع بر عداوت او منعقد گشت البته ایمن نتواند زیست و اگرچه پای بر فرق کیوان نهاده ست جان بسلامت نبرد (نصرالله منشی، ۱۳۷۱: ۳۱۳-۳۱۴).

در منطق تعامل در آداب‌نامه‌های فارسی بنا به اصل سلسله‌مراتب، علاوه بر شاه و بزرگان، در تعامل با دیگر افراد نیز حفظ منزلت و جایگاه، اهمیت ویژه‌ای دارد. توجه به این موضوع که جایگاه فردی که با او معاشرت خواهی داشت در چه سطحی است، بر مدیریت بدن و تنظیم جهت نشستن اثرگذار خواهد بود: «یک زمان توقف کن آن‌گاه مردمان را بنان بر و تو منشین تا آن‌گاه که مهمانانت بگویند چون یک‌بار بگویند بنشین و با ما مساعدت کن تو گوی: شاید بنشینم؟ بگذاریت تا خدمت کنم و چون یکبار دیگر تکرار کنند بنشین و با ایشان نان خور اما فرود همه کس بنشین مگر مهمانی سخت بزرگ بود که نشستن ممکن نباشد (نظام‌الملک، ۱۳۸۸: ۷۲).

۳-۵. آداب دوستی و دشمنی

انسان برای حضور و شکل‌گیری بخش مهمی از هویت اجتماعی‌اش نیازمند ارتباط با هم‌نوعان خود است (جنکینز، ۱۳۹۴: ۳۵). آداب و نحوه دوست‌گزینی و دشمن‌گزینی یکی از اصول مهم جهت تشریح مکتب فکری در هر دوره از تاریخ در بستر زندگی اجتماعیست. تمایزات رفتاری و نگرش افراد در انتخاب و گزینش دوست و طرد دشمن به عنوان الگوی مدیریتی و وسیله‌ای جهت تمایز هویت است فردی-که در خویشی تجسم یافته- جدا از سپهر اجتماعی دیگران معنا دار نیست. بنابراین شکل‌گیری هویت فردی در فرایندهای اجتماعی شدن، دوستی‌ها و تعاملات ریشه دارد (همان: ۳۵). در چنین بستری جایگاه و موقعیت اجتماعی افراد در جامعه و سبک زندگی متأثر از آن، تعیین‌کننده نحوه دوست‌گزینی و دشمن‌گزینی است و نقش مؤثری در نحوه شکل‌گیری و جهت‌دهی کنش‌های رفتاری دارد (ریترز، ۱۳۷۴: ۷۲۱). همنشینی و دوستی با طبقه هم‌تراز و دوری‌جستن و فاصله‌گرفتن با افراد طبقه برتر از خود، چه دوست چه دشمن، به عنوان شاخص کلی فرهنگی از دیرباز پذیرفته شده است که تابعیت به این امر منجر به شکل‌گیری رابطه‌ای هدفمند و پسندیده می‌شود و عدم پایبندی به آن شکست و خسران را در پی خواهد داشت. بنابراین تنظیم روابط و کنش‌ها براساس موقعیت و جایگاه خود با دیگری در جهت تولید و بازتولید هویت اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی امری ضروری است. رعایت نظام سلسله‌مراتبی و باور به نظام فاصله‌گزینی فقط مختص نظام سیاسی نیست بلکه در تمام جوانب روابط اجتماعی نیز حاکم است و بنیادی‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین نوع فاصله‌گزینی، فاصله‌گزینی اجتماعی است (مانهایم، ۱۳۸۵: ۶۶) که متأثر از ساختار فکری و ایدئولوژیک جامعه است و در چنین نظامی که در آداب‌نامه‌های بازنمایی می‌شوند، فاصله‌گزینی با طبقه برتر از خود و عدم اعتماد به دشمن برتر از خود حتی در صورت ابراز دوستی جهت حفظ شأن و منزلت خود و غلبه بر آنها توصیه شده است: «نزدیکی با دشمنان از بیچارگی دان ... با دشمنی که قوی‌تر از تو بود آغاز دشمنی مکن و آن را که ضعیف‌تر از تو بود از دشواری نمودن میاسای ... هرچند بزرگ و محتشم باشی با قوی‌تر از خود میچرخ ... (عنصرالمعالی، ۱۳۷۱: ۱۴۷).

«دشمنی ضعیف که در طاعت آید و دوستی نماید، مقصود وی جز آن نیست که دشمنی قوی گردد و گفته‌اند: بر دوستی دوستان اعتماد نیست تا به تملق دشمنان چه رسد؛ و هر که دشمن کوچک را حقیر می‌دارد بدان ماند که آتش اندک را مهمل می‌گذارد ... (سعدی، ۱۳۴۸: ۵۲۴).

برهن گفت: هر که ببادت روح قدس مستظهر شد و بمدد عقل کل مؤید گشت در کارها احتیاطی هر چه تمامتر واجب بیند و مواضع خیر و شرّ و نفع و ضرّ اندران نیکو بشناسد، و بر تمییز او پوشیده نماند که از دوست مستزید و قرین آزرده تحرّز ستوده تر و از مکامن غدر و مکر او تجتّب اولی‌تر... چه اگر بچرب زبانی و تودّد او فریفته شود و جانب تحفّظ و تیقّظ را بی رعایت گرداند هراینه تیر آفت را جان هدف ساخته باشد ... (نصرالله منشی، ۱۳۷۱: ۲۸۳).

علاوه بر گزاره‌های تجویزی بسیاری از روایت‌های داستانی مندرج در کتاب‌های سیاسی و اخلاقی یا آداب‌نامه‌های فارسی فاصله‌گزینی به مثابه رستگاری و عدول از چونان خسران یا حتی زوال متصور شده است:

جفتی بط به کنار جویباری خانه داشتند روباهی در مجاورت ایشان نشیمن گرفته بود. روباه را علت داء‌الثلعب پیرسید ... در گوشه خانه افتاد روزی کشفی به عیادت او آمد ... گفت: جگر بط در مداوات این درد مفیدست ... روباه اندیشه کرد مگر بر طرف این شط نشیمن و حضور آن بط را مترصد می‌باشم تا او را بدمدمه در دام احتیال کشم بدین اندیشه آنجا رفت اتفاقاً بط ماده را دریافت با او از راه مناصحت درآمد ... گفت: بدانک این شوهر تو را به میل طبع سوی جوانی دیگر از خود تازه‌تر متهم می‌دارد و این خیال پیش خاطر نهادست که تو دل از او برگرفته پس گفت: ای برادر اینچ می‌فرمایی همه از سر شفقت می‌گویی اکنون بفرمای تا رهایی من از او به چه وجه میسر می‌شود روباه گفت: از نبات‌های هندوستان نباتی به من آورده‌اند که آن را مرگ بطن خوانند اگر بدو دهی مقصود تو برآید ... روباه تا آنچه وعده کرده به انجام رساند ... بط برخاست و به خانه روباه آمد ... پای در آستان نهاد، روباه جای خالی یافت، کمین غدر بر جان او بگشود و جگرگاه او از هم بدرید ... (وراوینی، ۱۳۶۶: ۱۵۵-۱۵۷).

در این حکایت چون به لحاظ زیستی روباه قدرت بیشتری دارد، بط باید فاصله لازم را با او رعایت می‌کرد؛ اما با حیله و مکرری که روباه به کار می‌گیرد، بط فاصله را می‌شکند و دچار هلاکت می‌شود.

۴. نتیجه

کتاب‌های سیاسی-اخلاقی کلاسیک فارسی شامل مجموعه‌ای از انواع آداب اجتماعی و فرهنگی است که با کارکردی هدایتی-بازدارنده برای اداره امور اجتماعی به وجود آمده‌اند. این آثار با پشتوانه سیاسی و ظاهر اخلاقی بسیاری از باید و نبایدهای مورد توقع جامعه سلسله‌مراتبی مبتنی بر اشرافیت اعتقادی-اجتماعی را گاه به شکل مستقیم در قالب گزاره‌های تجویزی و گاه به شکلی غیر مستقیم در قالب روایت‌های داستانی به نقل و نمایش در آورده‌اند. برآیند تکاپوی مذکور الگوسازی برای توزیع فضا و فاصله اجتماعی است. نتیجه نوشتار حاضر نشان می‌دهد که همسو با پارادایم معرفتی حاکم بر این آثار، تجویزها و توصیه‌های متون مذکور در باب تنظیم فضا در همه حوزه‌ها و موضوعات آداب معاشرت همچون سخن‌گفتن و شنیدن، تغذیه و خوراک، پوشش و خلعت، نشست و برخاست، دوستی و دشمنی مبتنی بر ایجاد فاصله و رعایت نظم از پیش تثبیت شده یا قاعده‌های طبیعی نمایانه شده موجود است که در هرکدام از حوزه‌ها با نشانگانی خاص بازنمایی شده است.

متون مذکور در موضوع سخن‌گفتن و شنیدن با برجسته‌کردن اعتبار گوینده و شنونده، سخنان طبقه فرادست همچون ملوک و حکیمان را فارغ از موضوع سخن به مثابه پند و حکمت نمایانده و شنیدن آن را به مثابه موهبتی مشروعیت‌آور تلقی می‌کنند. حتی در مواردی سخن اغنیا، مانند جدال

سعیدی مدعی، را هم معتبر فرض کرده؛ فرصت نوبت‌گیری و طول سخن‌گفتن آنان را بیشتر در نظر می‌گیرند. جالب آنکه در جایی که راوی، درباره آداب سخن‌گفتن در معنای عام، بدون مشخص شدن گوینده و شنونده توضیح می‌دهد، این نکته را توصیه می‌کند که باید با احتیاط حرف زد، این مطلب اگرچه ظاهر اخلاقی یا عقلانی دارد، حاوی این اشارت هم هست که مبدا گوینده از منطق سلسله‌مراتب عدول کند بر همین حساب او را به تانی دعوت می‌کنند. آداب تغذیه در تجویز و توصیه‌های کتاب‌های اخلاقی-سیاسی وجهی دیگر دارد. اول آنکه در گزارش‌های خود معمولاً از سفره‌های پرتکلف طبقه فرادست از شاه تا وزیر و سایر اغنیاء مثال می‌آورند، جالب اینکه اینجا اسراف معنایی ندارد این سفره‌ها به مثابه مصرف نمایی و نیابتی آنان مفروض است تا فاصله خود را با بقیه حفظ کنند. در مقابل از دو نوع خویشنداری در تناول غذا سخن می‌گویند که بنا به ماهیت با هم فرق دارند. یکی تجویز خویشنداری برای طبقه پایین دست در سفره بالادستی‌هاست که به مثابه مدیریت بدن و عدم انبساط و رعایت مرز است؛ اما توصیه خویشنداری برای طبقه بالادست به قصد حفظ سلامت و دوری از گزند، مثل دچار تخمه‌شدن است. آداب پوشش و خلعت هم به شکلی نشاندار در خدمت تمایز طبقاتی و فاصله‌گزینی اجتماعی است هر شخصی که منزلت لشکری، اداری و غیره می‌یابد به جامه‌ای ویژه ملبس می‌شود، افزون بر اینکه خود صاحبان منزلت هم با پوشش البسه و جواهرات به شکلی عینی و دیداری فاصله اجتماعی خود را با دیگران به نمایش می‌گذارند. دیگر وجه عینی آداب معاشرت، شکل نشست و برخاست یا آمد و شد است. طبق گزارش کتاب‌های سیاسی-اخلاقی این وجه از تمایز و فاصله‌گزینی نیز مبتنی بر مدیریت بدن است، طبقه بالادست با بدنی آزاد و رها در عین حال با صلابت عمل می‌کنند؛ در حالی که سطوح پایین‌تر با دو زانو نشستن، حبس کردن نفس، به ترتیب حرکت کردن، آرام و کم حرف زدن فاصله خود را با بالادست رعایت می‌کنند. آیین دوستی و دشمنی بخش دیگری از آیین معاشرت است که در کتاب‌های مذکور وجه دشمنی آن به شکلی مؤکد برجسته شده است. در تلقی این آثار رعایت فاصله با دشمن در هر حالی ضروری است به طوری که نزدیکی با دشمن به مثابه بیچارگی یا کنشی غیر عقلانی مفروض شده است که عدم رعایت آن سبب خسران یا حتی زوال است. با این وصف، در همه موارد مذکور گزاره‌های تجویزی یا نتیجه‌های حکایت‌ها به شکلی سامان یافته‌اند تا شنونده/مخاطب، خواه بنا به باورشخصی خواه از روی ترس از پیامدهای اجتماعی، منطق فاصله‌گزینی رایج را بپذیرد.

منابع

- آرگایل، مایکل (۱۳۹۳)، روان‌شناسی پیام‌رسانی حرکات بدن، ترجمه مرجان فرجی، تهران، جوانه رشد.
 اسمعیلی، محمدمهدی و همکاران (۱۳۹۰)، «عناصر فرهنگی مؤثر بر ارتقاء سرمایه فرهنگی در گلستان سعیدی»، مدیریت فرهنگی، سال پنجم، ش ۱۴، ۱-۳۱.
 سعیدی، مریم‌السادات (۱۳۸۹)، «خانواده در قابوس‌نامه»، بوستان ادب، سال دوم، ش ۴، ۳۱-۴۷.

احمدی، سیروس و محمدحسین نیکدار اصل (۱۳۹۱)، «تحلیلی بر قشربندی اجتماعی در گلستان سعدی»، تاریخ ادبیات، ش ۷۱، ۱۸-۵.

بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۰)، تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، ثالث.
 پُست، امیلی و همکاران (۱۳۹۲)، کتاب جامع آداب معاشرت، آداب اجتماعی، ترجمه مریم تقدیسی، تهران، پندار تابان.
 پاترسون، مارک (۱۳۹۸)، مصرف و زندگی روزمره، ترجمه جمال محمدی و نرگس ایمانی مرئی، تهران، نشر نی.
 پیرا، فاطمه (۱۳۸۷)، «جنسیت و قدرت در سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک»، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۶، ش ۳، ۱۵۵-۱۶۹.

ترابی فارسانی، سهیلا و علی اکبر غندی (۱۳۹۴)، «آداب‌نامه‌ها و جایگاه آن در تاریخ‌نگاری اجتماعی»، تاریخ اسلام و ایران، ش ۲۷، ۶۷-۷۶.

جنکیتز، ریچارد (۱۳۹۴)، هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران، پردیس دانش.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران.

دسپ، علی (۱۳۸۸)، «تحلیل گفتمان غالب در رمان‌های سیمسن دانشور: سووشون. جزیره سرگردانی و ساریان سرگردان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس تهران.

ذبیح‌نیا عمران، آسیه و سمیه سنگکی (۱۳۹۱)، «تعلیم الگوی حکومت در کلیله و دمنه و گلستان سعدی»، ادبیات تعلیمی، سال چهارم، ش ۱۳، ۱۹۷-۲۳۶.

ریتزر، جورج (۱۳۷۴)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی.

زوی، برونو (۱۳۸۷)، چگونه به معماری بنگریم، ترجمه فریده گرمان، تهران، شهیدی.

زاهدی، چنور (۱۳۹۳)، «تبیین اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی کلیله و دمنه بر اساس دلالت‌های فضایی (نشانگرهای تنظیم فاصله)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کردستان.

سعدی (۱۳۴۸)، گلستان، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران، صفی‌علیشاه.

سبزابور، وحید (۱۳۹۲)، «بررسی دیدگاه‌های تربیتی ایرانیان باستان در قابوس‌نامه»، ادبیات تعلیمی، سال پنجم، ش ۱۷، ۵۱-۸۶.

سوهانگیر، سارا و محمدرضا نصیرسلامی (۱۳۹۳)، «الگوهای خلق فضا در معماری با تکیه بر پارادایم‌های نظری پسامدرن»، باغ نظر، سال یازدهم، ش ۲۸، ۶۵-۷۸.

صفرزایی، عبدالله و همکاران (۱۳۹۷)، «تأثیر اندرزهای شاهان ساسانی بر آرای تربیتی عنبر المعالی در قابوس‌نامه»، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، ش ۲۲، ۱۰۸-۷۹.

ضرغامی، اسماعیل و سیدمحمد بهروز (۱۳۹۴)، «نقش و مفهوم فضا در بازآفرینی نظریه معماری و علوم اجتماعی»، مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره هفتم، ش ۲، ۸۱-۹۹.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۰)، الادب الدینیة للخزانة المعنیة، ترجمه احمد عابدی، قم، زائر.

علی‌احمدی، امید (۱۳۸۷)، «نهاد خانواده و عرصه خصوصی در گلستان سعدی»، جامعه‌شناسی، ش ۱۳، ۸۶-۵۵.

غزالی، محمد (۱۳۶۱)، نصیحة الملوک، تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران، بابک.

عنصرالمعالی کیکاوس بن اسکندر (۱۳۷۱)، قابوس‌نامه، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، علمی و فرهنگی.

فیستر، مانفرد (۱۳۷۸)، نظریه و تحلیل درام، ترجمه مهدی نصرزاده، تهران، امیرکبیر.

فوزی، یحیی (۱۳۸۳)، «چالش‌های اجتماعی انقلاب اسلامی در ایران: بررسی تغییرات جمعیتی بعد از انقلاب و پیامدهای آن بر مشروعیت نظام سیاسی»، جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، ش ۳، ۶۲-۹۱.

هادی، اصغر (۱۳۸۹)، «نقد رویکردهای تفکیک آداب از اخلاق»، پژوهش‌نامه اخلاق، ش ۱، ۳۲-۹.

کاریکان، پیتر (۱۳۹۶)، جامعه‌شناسی مصرف، ترجمه سعید صدرالاشرفی، تهران، گل آذین.

کرنگ، مایک (۱۳۹۰)، جغرافیای فرهنگی، ترجمه مهدی قرخلو، تهران، سمت.

مانهایم، کارل (۱۳۸۵)، دموکراتیک‌شدن فرهنگ، ترجمه پرویز اجلالی، تهران، نشر نی.

محدثی، جواد (۱۳۸۶)، اخلاق معاشرت، قم، بوستان کتاب.

مدنی‌پور، علی (۱۳۹۱)، فضاهای عمومی و خصوصی شهر، ترجمه فرشاد نوریان، تهران، سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.

نصرالله منشی (۱۳۷۱)، کلیله و دمنه، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی طهرانی، تهران، امیرکبیر.

نظام‌الملک، حسن بن علی (۱۳۸۸)، سیاست‌نامه، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران، اساطیر.

نرماشیری، اسماعیل (۱۳۹۶)، «تحلیل گفتمان جدال سعدی با مدعی با رویکرد ایدئولوژی شناختی استعاره»، متن‌پژوهی ادبی، سال ۲۱، ش ۷۴، ۵۴-۷۳.

هال، ادوارد. تی (۱۳۸۴)، بعد پنهان، ترجمه منوچهر طبیبیان، تهران، دانشگاه تهران.

وبر، ماکس (۱۳۷۴)، اقتصاد و جامعه، ترجمه عباس منوچهری و دیگران، تهران، مولی.

وراوینی، سعدالدین (۱۳۶۶)، مرزبان‌نامه، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران، صفی.

وکیلی، هادی و کبری نودهی (۱۳۹۰)، «آداب سفره در ایران باستان و ایران دوره اسلامی قرن دوم تا هفتم هجری»، علوم قرآن و حدیث، مشکوت، ش ۱۱۲، ۱۳۷-۱۱۹.

ویلسون، الیزابت (۱۳۹۴)، مد و مدرنیته، ترجمه ناصرالدین غراب، تهران، علمی و فرهنگی.

یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۳)، گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی، تهران، هرمس.

یزدخواستی، بهجت و همکاران (۱۳۸۷)، «مفهوم بدن در اندیشه فلسفی مرلوپوتتی و چالش‌های نظری در قرانت جامعه‌شناختی آن»، معرفت، ش ۱۲۶، ۱۴۰-۱۲۹.

یعقوبی جنبه‌سرایی، پارسا و چنور زاهدی (۱۳۹۲)، «دلالت‌های فضایی داستان شیر و گاو تبیین نزاع قدرت و شیوه‌های تحریف آن»، پژوهش‌های ادبی، سال دهم، ش ۴۲، ۱۴۳-۱۶۶.

یعقوبی جنبه‌سرایی، پارسا (۱۳۹۶)، «موضع مؤلف پنهان حکایت‌های کلیله و دمنه: برساخت توزیع فضا»، نقد و نظریه ادبی، سال دوم، ش ۱، ۵۳-۸۴.

References

- Ahmadi & Nikdar Asl (1391), "An analysis of social stratification in Golestan Saadi", *History of Literature*, No. 71, 5-18. (in Persian)
- Ali Ahmadi, Omid (1387), " The institution of family and private sector in Saadi Golestan", *Sociology*, No. 13, 55-86. (in Persian)
- Argyle, Michael (1393), *Bodily Communication*, Translated by Marjan Faraji, Tehran, Javaneh Roshd. (in Persian)
- Asadi, Marayam Sadat (1389), "Family in Qabus Nameh", *Bustan Adab*, Vol. 2, No. 4, 31-47. (in Persian)
- Corrigan, Peter (1396), *The Sociology of Consumption*, Translated by Said Sadrleshrafi, Tehran, Golazin. (in Persian)
- Crang, Mike (1383), *Cultural Geography*, Translated by Mehdi Qarkhlo, Tehran, Samt. (in Persian)
- Dekhoda, Ali Akbar (1377), *Dictionary*, Tehran, University of Tehran.
- Desap, Ali (1388), "Analysis of the dominant discourse in Simin Daneshvar's novels: Savushun, Wandering Island, and The Wandering Camel Rider", Master's thesis, Tarbiat Modares University. (in Persian)
- Esmaili et al. (1390), "Effective cultural elements on the promotion of cultural capital in Golestan Saadi", *Cultural Management*, Vol.5, No. 14, 1-31. (in Persian)
- Fawzi, Yahya (1383), "Social challenges of the Islamic revolution in Iran: Investigation of demographic changes after the revolution and its consequences on the legitimacy of the political system", *Sociology of Iran*, vol. 5, No. 3, 62-91. (in Persian)
- Ghazali, Muhammad (1361), *Nasihah Al Muluk*, Corrected by Jalaluddin Homai, Tehran, Babak. (in Persian)

- Hadi, Asghar (1389), "Criticism of the approaches of separating manners from ethics", *Ethical Research Journal*, No. 1, 9-32. (in Persian)
- Hall, T. Edward (1384), *The Hidden Dimension*, Translated by Manoochehr Tabibiyan, Tehran, University of Tehran. (in Persian)
- Jenkins, Richard (1394), *Social Identity*, Translated by Tooraj Yarahmadi, Tehran, Pardis Danesh. (in Persian)
- Kaykavus b. Eskandar (1371), *Qabus Nameh*, Corrected by Gholam Hussein Yusefi, Tehran, Elmi va Farhangi. (in Persian)
- Madanipour, Ali (1391), *Public and Private Spaces of City*, Translated by Farshad Noorian, Tehran, Information and Communication Technology Organization of Tehran Municipality. (in Persian)
- Manheim, Karl (1385), *Essays on The Sociology of Culture*, Translated by Parviz Ejlali, Tehran, Tehran, Nay. (in Persian)
- Mohaddisi, Javad (2006), *Social ethics*, Qom, Bostan Ketab. (in Persian)
- Narmashiri, Ismail (2016), "Discourse analysis of Saadi's argument with the claimant with the approach of metaphorical cognitive ideology", *Literary Textology*, Vol. 21, No. 74, 54-73. (in Persian)
- Nasrullah Manshi (1371), *Kalila and Damneh*, Corrected and explained by Mojtaba Minavi Tehrani, Tehran, Amirkabir. (in Persian)
- Nizam-ul-Molk, Hasan-bin-Ali (1388), *Politics*, Revised by Abbas Iqbal Ashtiani, Tehran, Asatir. (in Persian)
- Paterson, Mark (1398), *Consumption and Everyday Life*, Translated by Jamal Muhammadi & Narges Imani Marni, Tehran, Nay. (in Persian)
- Pfister, Manfred (1387), *The Theory & Analysis of Drama*, Translated by Mehdi Nasrzadeh, Tehran, Amirkabir. (in Persian)
- Pierre Bourdieu (1390), *Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste*, Translated by Hassan chawoshiyan, Tehran, Sales. (in Persian)
- Pira, Fatemeh (1387), "Gender in Nizam al-Mulk's Siyasatnameh", *Women in development and politics* (Women's research), Issue 6, No 3, 155-169. (in Persian)
- Post et al. (1392), *Etiquette: Manners for a New World*, Translated by Maryam Taqdisi, Tehran, Pendar Taban. (in Persian)
- Ritzer, George (1374), *Contemporary sociological theory*, Translated by Mohsen Salasi, Tehran, Elmi. (in Persian)
- Saadi (1995), *Golestan*, By effort of Khalil Khatib Rahbar, Tehran, Safi Alishah. (in Persian)
- Torabi Farsani & Ghandi (1394), "Books of Etiquette and Its Role in Social Historiography", *History of Islam & Iran*, No 27, 67-76. (in Persian)
- Zevi, Bruno (1387), *How to Look at Architecture*, Translated by Farideh Garman, Tehran, Shahidi. (in Persian)
- Sabziyan poor, Vahid (1392), "Investigating the Pedagogical Views of Ancient Iranians in Qabus Nameh", Vol.5, No. 17, 51-86. (in Persian)
- Safarzaei & et al. (1397), "The effect of Sassanid kings' instructions on the educational opinions of the elements of Qaboos Namah", *Historical studies of Iran and Islam*, No. 22, 65-78. (in Persian)
- Sohangir & Salami (1393), "Patterns of space creation in architecture based on postmodern theoretical paradigms", *Baghe Nazar*, Vol. 5, No. 14, 1-31. (in Persian)
- Tabarsi, Fazl ibn Hasan (1380), *Aladab aldiyniat lilkhizanat almueinia*, Translated by Ahmad Abedi, Qom, Zaer. (in Persian)
- Varavini, Sa'ad ad-Din (1366), *Marzban'name*, By effort of Khalil Khatib Rahbar, Tehran, Safi. (in Persian)

- Vakili & Nodehi (1390), "Etiquette of dinning table in ancient Iran and Iran during the Islamic period from the 2nd to the 7th century AH", *Quran and Hadith Sciences*, Mishkat, No. 112, 119-137. (in Persian)
- Weber, Max (1374), *Economy & Society*, Translated by Abbas Manoochehri & et al., Tehran, Mola. (in Persian)
- Wilson, Elizabeth (1394), *Fashion and Modernity*, Translated by Naseraddin Gharab, Tehran, Elmi va Farhangi. (in Persian)
- Yaghoobi Janbeh Saraei & Zahedi (1392), "The spatial implications of the story of the lion and the cow, explaining the power struggle and its distortion methods", *Literary Researches*, vol. 10, No. 42, 143-166. (in Persian)
- Yaghoobi janbeh saraei, Parsa (1396), "The position of the hidden author of the tales of Kalila and Demeneh: the construction of space distribution", *Literary criticism and theory*, vol. 2, No.1, 53-84. (in Persian)
- Yarmuhammadi, Lotfolah (1383), *Popular and Critical Discourse Analysis*, Tehran, Hermes. (in Persian)
- Yazdkhasti et al. (1387), "The concept of the body in Merleau-Ponty's philosophical thought and theoretical challenges in its sociological reading", *Cognition*, No.126, 129-140. (in Persian)
- Zabihniya Omran & Sangaki (1391), "Teaching the model of government in Kalileh ve Demneh and Golestan Saadi", *Didactic Literature*, No. 13, 197-236. (in Persian)
- Zahedi, Chonur (1393), "Explaining the political and social thoughts of Kalileh and Demneh based on spatial implications(Spatial indicators)", Master thesis, University of Kurdistan. (in Persian)
- Zarghami & Behrooz (1394), "The role and concept of space in recreating the theory of architecture and science", *Interdisciplinary studies in human sciences*, vol. 7, No. 2, 81-99. (in Persian)